

بیدادگری بس است

هممیهنان،

اکنون، پانزده روز از پیدا شدن پیکر بی‌جان ملا محمد ربیعی، امام جمعه‌ی سنی‌های کرمانشاه، که در ناحیه‌ی گردن نشانه‌هایی از کیودی و خون‌مردگی داشت و در غرب کشور موجی از ناآرامی و آشوب را برانگیخت، می‌گذرد. پاسداران جو وحشت، که از اوج‌گیری خشم و پرخاش مردم آشکارا بیمناک گردیده بودند، مانند همیشه، به سرکوب پرداختند و آیین‌های خاکسپاری و سوگواری این روحانی عالی‌قدر را در شهرهای کرمانشا، پاره، جوانرود، و روانسر به خون کشیدند و شمار انبوهی کشته و زخمی و دستگیر گردیدند.

سردمداران جمهوری اسلامی در پی زدوخوردهای پدیدآمده و آسیب‌دیدگی پاره‌ای از گماشتگان امنیتی و انتظامی و ویران گردیدن و آتش گرفتن چند ساختمان و خودروی اداری و نیز از پا درافتادن سرهنگ علی‌اکبر نجفی، که به سوی مردم تیراندازی کرده بود، با گسیل نیروهای ضدشورش و یگان‌های ویژه‌ی پاسدار انقلاب به استان کرمانشاهان سراسر آن و، بیشتر، چهار شهر یادشده را به اشغال نظامی در آوردند.

از آن پس، نه تنها از برپایی هر گونه گردهمایی اعتراض‌آمیز در همه جای استان کرمانشاهان جلوگیری و حتی برای رفت‌وآمدهای عادی مردم اشکال‌تراشی کردند؛ بلکه شمار تازه‌ای را دستگیر و بسیاری از زخمی‌ها را از بیمارستان به زندان بردند؛ و برابر واپسین گزارش‌ها، کسان سرشناسی نیز به تهران فرستاده شده‌اند تا، با دادرسی‌های فرمایشی در پشت درهای بسته و شاید تیرباران ایشان، مایه‌ی عبرت سایر به‌پاخاستگان گردند. از سوی دیگر، دست‌اندرکاران برای واژگونه جلوه دادن حقیقت به آوازه‌گری روی آوردند؛ و نخست روزنامه‌های وابسته به دولت بخشنامه‌وار پیرامون ایست قلبی ملا محمد ربیعی با تکیه بر گواهی پزشکی قانونی قلم‌فرسایی کردند؛ و سپس برخی را هم واداشتند تا طوطی‌صفت چنین داعیه‌ای را تکرار نمایند.

در این میان، اشغال‌کنندگان کرسی‌های نمایندگی مردم کرمانشاهان با گستاخی به‌پاخاستگان حوطلب را «اخلالگر» نامیدند و هم‌روزه دارودسته‌های مزدبگیری در شهرهای آن استان به راه انداخته شدند تا سیل دشنام را به سوی سلطه‌ستیزان سرازیر کنند؛ و رسانه‌های همگانی تصویری هم‌پای این نمایش‌های چندش‌آور را به روی صحنه آوردند. سرانجام، حجت‌الاسلام محمدحسین معصومی‌راد، که زاده‌ی زرنند می‌باشد و بی‌هیچ شناختی از ویژگی‌های مردم کرمانشاه از چند سال پیش به عنوان امام جمعه و نماینده‌ی رهبر برگزیده‌ی خبرگان در آن شهر قهرمان‌پرور گمارده شده است، از سر واپس‌گرایی و انحصارگری، در خطبه‌های خود به اختلاف‌اندازی میان شیعه و سنی پرداخت.

به هر روی، هنوز، در این گوشه‌ی کشور، نفرت از زشت‌کاری‌های زمامداران ناآگاه و ناتوان رو به افزایش است و خواست همگانی رسیدگی به چرایی و چگونگی مرگ ناگهانی ملا محمد ربیعی و اظهار نظر پزشکان مورد اعتماد، حتی با کالبدشکافی، و نیز پیگرد قانونی دستوردهندگان تیراندازی به سوی مردم و رهایی همه‌ی بازداشت‌شدگان می‌باشد.

مردم استان کرمانشاهان در خیزش مشروطیت، جنبش ملی کردن صنعت نفت، و انقلاب بیست‌ودوم بهمن همواره

نقش پیشگامی داشته و، در درازای هشت سال نبرد میهنی، از هیچ ایثارگری دریغ نورزیده و اکنون هم در برابر قلدری سرکوبگران دژخو کوتاه نخواهند آمد.

حزب ملت ایران از همه‌ی زنان و مردان بیدار دل، از همه‌ی سازمان‌های سیاسی ناسازوار باروندیکه تازی جمهوری اسلامی می‌خواهد که به پشتیبانی از مردم ستم‌دیده‌ی استان کرمانشاهان برخیزند و بر آزادی همه‌ی دستگیرشدگان، برکناری کاربه‌دستان به‌کژراهه‌افتاده و کیفر دادن سبب‌سازان این رویدادهای خونین پافشارند؛ زیرا به‌درآوردن کشور از ورطه‌ی سهمگین کنونی، که امپریالیست‌های جهان‌خوار نیز سودای بهره‌برداری از آن را در سر می‌پرورانند، تنها با روی کار آمدن یک دولت برگزیده‌ی مردم و به کار بستن برنامه‌های سنجیده امکان‌پذیر است و بس.

سرمداران جمهوری اسلامی باید بدانند، با این همه تبه‌کاری، اکنون نه تنها استان کرمانشاهان، که سراسر ایران را ناخشنودی همگانی همچون آتش زیرخاکستر فراگرفته است و چه‌بسا هر بیدادگری تازه‌ای آن را شعله‌ور سازد و خشکوتر را بسوزاند و دور بسته‌ای از کردارهای قهرآمیز مهارنشدنی پدید آورد.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران